



پیدایش و تکامل خط نویسی

پدیده‌ی خط نویسی یکی از عوامل پیشرفت و تکامل فرهنگ و معارف بشری است، زیرا در جوامع انسانی، وسیله‌ی توسعه و انتقال معارف از نسلی به نسل دیگر شمرده می‌شود. با پیدایش خط نویسی و رواج آن، انسان از مرحله‌ی «ماقبل تاریخ» به دوره‌ی تاریخی قدم گذاشت. خط نویسی یک ضرورت اجتماعی است و مانند زبان و منطق، کلید تفکر و وسیله‌ی گسترش و شکفتن آن شمرده می‌شود. در تمدن انسانی، اهمیت خط نویسی، از لحاظ تفهیم و تفهم، از زبان یعنی سخن گفتن بیشتر است. از این رو بدون شک می‌توان گفت تنوع و تکامل فرهنگ و تمدن بشری مرهون آن است.

منشأ پیدایش خط نویسی

صاحب نظران در چگونگی شکل نخستین خط نویسی و منشأ پیدایش آن چند نظر داده‌اند بگنتار بعضی: علائم نقاشی ملل ابتدائی شکل نخستین خط بوده است. برخی، معتقدند خط نویسی نتیجه‌ی تحول طبیعی روزگاران دراز است. درازمنه‌ی پیش از تاریخ، اگر فردی از اقوام ابتدائی صورت آهویی را بر صخره‌ای رسم کرده مسلماناً به قصد خط نویسی نبوده، بلکه کاری هنری یعنی نقاشی انجام داده است. اما اگر او در مکانی می‌دید که مرتع و یا معبر آهوان هست، بحکم القاء نفسانی صورت و نقش یکی از آنان را بر سنگی می‌کشید تا اینکه به دیگران و دوستان خود خبر دهد. آن نقش در آنجا به زبان حال می‌گفت: «در اینجا آهوان است» بنابراین باید چنین تصور کنیم که منشأ

✧ آقای دکتر یوسف فضائی از پژوهندگان صاحب نظر معاصر

خط‌نویسی یعنی انتقال فکر و مفهوم به دیگران ، نقاشیهای بشر نخستین بوده است. بدین ترتیب که انسان پیش از تاریخ ، رفته رفته به این نتیجه رسیده است که می‌تواند پیامهای خود را بوسیله‌ی نقاشی و تصاویر به دیگران منتقل سازد . این کار اولین قدم در پیدایش و تحول فن کتابت و خط‌نویسی شمرده می‌شود.^۲

مراحل تکامل خط نویسی

تحول و تکامل کتابت و خط نویسی در پنج مرحله بوده است : ۱- مرحله‌ی تصویری و نقاشی ، ۲- مرحله‌ی خط‌تصویری و هیروگلیفی . ۳- مرحله‌ی خط هراتیک ، ۴- مرحله‌ی خط میخی ، ۵- مرحله‌ی خط الفبائی . در زیر به مراحل مزبور باختصار اشاره می‌شود .

اول مرحله نقاشی

مرحله‌ی نخست خط‌نویسی نقاشی است که باید آن را مفهوم نگاری شمرد ، بدین معنا که در آن مرحله ، از یک تصویر و نقاشی در جاهای مخصوصی ، مفهومی خاص اراده و فهمیده می‌شد . بقایای این مرحله در زبان حاضر نیز ، در دنیای متمدن ، رواج دارد مانند علائم راهنمایی و رانندگی ، و علائم اختصاری مصطلح در علوم ریاضی که نوعی نقاشی مفهوم نگاری است.

از نظر دیگر ، مفهوم نگاری و تصویر نگاری را می‌توان در آغاز نوعی جادوی لفظی در فرهنگ مردم ابتدائی شمرد.^۲

دوم مرحله خط هیروگلیفی

نقاشیهای جادویی نخستین ، رفته رفته ، تحول و تکامل کرد و بصورت محسوس نویسی درآمد ، یعنی مفهوم نگاری به محسوس نگاری تحول یافت . در این مرحله ، اشکال و تصاویر از افاده‌ی مفاهیم کلی بیرون آمد و مانند واژه‌های کنونی ، هر کدام بجای آهنگ و کلمه‌ای به کار می‌رفت ، یعنی حروف این خط را تصاویر و اشکال موجودات گوناگون تشکیل می‌داده است: مثلاً اگر می‌خواستند انسان را نشان دهند ، اول صورت و شکل بعدها سراو را رسم می‌کردند .^۳ این نوع کتابت همیشه ثابت نمی‌ماند ، بلکه به تدریج تحول و تکامل می‌یافت . بعدها در آن خط ، هر شکلی بر چند معنا دلالت می‌کرد : مثلاً شکل «پا» علاوه بر معنای خود ، بر راه رفتن نیز دلالت می‌کرده است یا شکل «ستاره» هم بر معنای خود و هم بر «آسمان» و خدایانی که در آسمان بودند ، دلالت داشت . چون نقوش و تصاویر خط باستانی مصری در کتیبه‌های قدیم دینی کشف شده از این رو خط تصویری را بنام خط هیروگلیفی خوانده‌اند . هیروگلیف به زبان قدیم مصری به معنای مقدس است ، زیرا

مصریان بعدها آن خط را برای نوشتن عقاید و آداب و رسوم مذهبی اختصاص دادند. به عقیده بیشتر محققان، مصریان قدیم نخستین بار خط تصویری هیروگلیفی (مرحله دوم) را اختراع و بکار برده‌اند، یعنی کاهنان دینی آنان، توسط آن خط، عقاید و آداب دینی و اساطیر مذهبی خود را در کتیبه‌های معابد خود می‌نوشتند. کشف کننده و خواننده‌ی خط هیروگلیفی «شامپولین»^۵ فرانسوی بوده است. او که در زبان قدیم قبطی مطالعاتی داشت توانست پس از زحمات زیاد در سال ۱۸۰۲ میلادی کتیبه‌هایی که به خط هیروگلیفی بود، بخواند. نظیر این خط در چین قدیم نیز کشف شده است، یعنی در آن عصر که خط هیروگلیف در میان مصریان پیدا شد و رواج یافت، عیناً خطی مانند آن، در سرزمین چین نیز رایج بوده است. نمی‌توان گفت که خط تصویری چینی از خط مصریان اقتباس شده، بلکه باید گفت آنان نیز چنان خطی در آن عصر اختراع کرده‌اند.^۶

سوم مرحله خط هراتیک

خط هراتیک نیز که در مصر قدیم پیدا شد، در حقیقت صورت متکامل خط هیروگلیفی بوده است. مصریان قدیم رفته رفته دریافتند که خط تصویری هیروگلیف باعث اتلاف وقت می‌شود. از این رو خط هراتیک را اختراع کردند که در آن، بجای نوشتن همه صورت و شکل موجود مورد نظر، عضو مهم آن موجود را بنویسند. مثلاً بجای شکل انسان، چشم او و بجای مرغ، منقار آن، از این رو خطی بوجود آمد بسیار مختصرتر و مرموزتر از هیروگلیفی که اروپائیان آن را بنام خط هراتیک خوانده‌اند. بعدها، در خط تصویری-چه هیروگلیفی و چه هراتیک- تحولی ایجاد شد، مثلاً اشکال و تصاویر را وارونه می‌نوشتند و این خط سرانجام از حالت مفهوم نویسی به حالت عجائی و علامتی تحول یافت.^۷

چهارم مرحله خط میخی

تاریخ نگاران، اختراع خط میخی را به قوم سومری نسبت داده و گفته‌اند این خط توسط سومریان از روی خط هراتیک ساخته شده است. چون در خط تصویری قدیم کاتب مجبور بود دست خود را در تمام جهات حرکت دهد، این کار بسیار خسته کننده بود و وقت او را تلف می‌کرد، از این جهت سومریان با توجه علامت خط تصویری هیروگلیفی و بخصوص هراتیک، علامت میخ مانند \triangleright - \triangle - \checkmark بچند گونه‌ی افقی، عمودی و مورب ساختند. بعدها بر آن سه نوع علامت، نشانه‌ای دیگر افزودند شبیه به پیکان تیر \langle و از آن بعد فقط همین چهار نوع علامت برای تمام تصاویر به کار می‌رفت.^۸

از آن پس ، دیگر مفهوم نگاری (ایده‌اوگرافی قدیم منسوخ و بجای آن ، آهنگ‌نگاری خط میخی رایج شد . هر کس بر الواح و کتیبه‌های اخیر بابلی نظر کند به آن امر پی خواهد برد ولی این کار یکباره صورت نگرفت ، بلکه بوسیله‌ی تحولات تدریجی انجام شد و در نتیجه ، خط نویسی از مرحله تصویری به مرحله میخی رسید^۹ . چنانکه اشاره شد ، خط میخی از علامات میخی شکل‌وهر کدام از ۳- یا ۴- و یا بیشتر اشکال میخی (۴ - ۵ - ۶) تشکیل می‌شده است .

خط میخی به شیوه هجائی بوده است ، ولی خط هیروگلیفی مفهومی و رمزی ، یعنی در خط میخی هر علامت میخی بريك هجا (آهنگ) دلالت می‌کرده است ، مثلا برای کلمه «برادر» که سه هجائی (ب-ر-ا-در) بوده سه علامت ، و برای «کتاب» که دو هجائی (ک-تاب) بوده ، دو علامت می‌نوشتند .

خط میخی در آغاز پیدایش خود قدری پیچیده بود ، ولی بتدریج در مسیر تکامل خود از پیچیدگی بیرون آمد. بنا به گفته ویل دورانت خط میخی در حدود سه هزار و شش صد سال پیش از میلاد مسیح توسط سومریان ساخته و ظاهر گشته^{۱۰} و از ۳۵۰ علامت میخی تشکیل می‌شده است^{۱۱} . ولی بعدها که در میان اقوام دیگر ، مانند ایرانیان ، رواج یافت ، تعداد علامات آن کمتر شد . مانده دارد

- ۱ - ویل دورانت ، تاریخ تمدن ، کتاب اول ، ص ۱۶۲ .
- ۲ - ادوارد شی‌یرا ، الواح بابل ، ترجمه علی اصغر حکمت ، تهران ۱۳۴۱ ، ص ۷۶-۷۷ .
- ۳ - یوسف فضائی ، بنیانهای اجتماعی دین ، تهران ۲۵۳۶ ، ص ۱۵۶ .
- ۴ - ادوارد شی‌یرا ، الواح بابل ، ص ۷۹ .
- ۵ - Champolion
- ۶ - آلبرماله ، تاریخ ملل شرق و یونان ، کتاب اول ، ص ۶۰ .
- ۷ - ادوارد شی‌یرا ، الواح بابل ، ص ۸۵ .
- ۸ - دکتر یوسف فضائی ، پیدایش انسان و آغاز شهرنشینی ، تهران ۲۵۳۶ ، ص ۱۳۴ .
- ۹ - الواح بابل ، ص ۸۸ .
- ۱۰ - ویل دورانت ، تاریخ تمدن ، کتاب اول ، ص ۱۶۱ .
- ۱۱ - جرج سارتن ، تاریخ علم ، چاپ تهران ، ص ۶۴ تا ۷۰ .